

پیش‌بینی والدآزاری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، خشونت خانوادگی و تعارض والد- فرزند در دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر همدان

الهام قدمی^۱، زهرا علی بخشی^۲

^۱کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، تهران، ایران
^۲استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، پیش‌بینی والدآزاری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، خشونت خانوادگی و تعارض والد- فرزند در دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر همدان بود. روش پژوهش توصیفی- همبستگی بود. جامعه پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۴۰۲ بودند که تعداد آن‌ها ۳۸۵۶ نفر بود. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۸۰ نفر از این تعداد به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. در این پژوهش از پرسشنامه والدآزاری عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۷)، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲)، پرسشنامه خشونت خانوادگی ادلسون و همکاران (۲۰۰۷) و پرسشنامه تعارض والد- فرزند اشتراوس (۱۹۹۰) استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و همچنین روش‌های آماری استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون) استفاده شد. یافته‌های به دست آمده از پژوهش نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و آسانگیر)، خشونت خانوادگی و تعارض والد- فرزند می‌توانند والدآزاری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند ($P < 0/01$). همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که بین خشونت خانوادگی، تعارض والد- فرزند و شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و آسانگیر با والدآزاری در دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌دار و بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با والدآزاری دانش‌آموزان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/01$).

واژه‌های کلیدی: والدآزاری، شیوه‌های فرزندپروری، خشونت خانوادگی، تعارض والد- فرزند

مقدمه

خانواده یکی از عوامل اساسی و تاثیرگذار در زندگی هر فرد است و نقش بسیار مهمی در سلامت جسمی و روانی وی ایفا می‌کند و ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها روانی و رفتاری انسان به خانواده‌ای که در آن رشد کرده بستگی دارد (سوری‌نژاد، نوقابی و فرهادی، ۱۳۹۵). تعاملات ناسالم میان اعضای خانواده از مهمترین دلایل به‌هم‌ریختگی کارکرد خانواده است و از جمله این تعاملات، می‌توان به خشونت خانوادگی^۱ شامل اشکال گوناگوم خشونت به همسر^۲، خشونت به فرزند^۳، خشونت نسبت به سالمندان^۴ و خشونت فرزندان نسبت به والدین^۵ اشاره نمود. خشونت فرزندان نسبت به والدین به دلیل اهمیت بالای آن و روند رو به افزایش آن در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (واصل، ۱۳۹۸). کوترل^۶ (2001)؛ به نقل از عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷) این نوع خشونت خانوادگی را والدآزاری^۷ نامیده است. والدآزاری، هر عملی از سوی کودک به قصد ایجاد آسیب فیزیکی، روانی یا مالی به یک والد، جهت کسب قدرت و کنترل نسبت به او می‌باشد. والدآزاری نوجوانان و آزار و اذیت آنان نسبت به والدین خود در سرتاسر جهان به عنوان یک معضل اجتماعی مهم شناخته شده و مورد توجه سیاست‌گذاران، پژوهشگران، و افرادی که در زمینه حمایت کودکان و خشونت خانگی فعالیت دارند، قرار گرفته است (سیمونز و مک‌ایون، پارسیل و اوگلاف^۸، ۲۰۱۸). با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیق‌های مختلفی که در زمینه والدآزاری انجام گرفته است؛ می‌توان گفت که بین ۷ تا ۳۳ درصد از والدین در زمان‌های مختلف مورد سوءاستفاده و آزار از طرف فرزندان خود قرار می‌گیرند (سیمونز و مک‌ایون، پارسیل و اوگلاف^۹، ۲۰۱۸). در نتایج به دست آمده از پژوهش که توسط ماگولین و باکوم^{۱۰} (۲۰۱۴) انجام گرفت؛ یافته‌ها نشان داد که ۲۲ درصد فرزندان که در پژوهش شرکت کردند به شکل جسمی و ۷۵ درصد به شکل کلامی رفتار پرخاشگرانه با والدین خود داشته‌اند. از طرفی یافته‌های یک تحقیق نظرسنجی در کانادا، میزان پرخاشگری فیزیکی نسبت به والدین را ۱۲ درصد و پرخاشگری کلامی نسبت به والدین را ۶۰ درصد نشان داده است (هولت^{۱۱}، ۲۰۱۶).

پژوهش‌های فراوانی که پیرامون عوامل تاثیرگذار بر اختلالات رفتاری فرزندان، مانند رفتار خشونت‌آمیز صورت گرفته، اغلب این یافته را نشان می‌دهند که اختلالات رفتاری فرزندان، بیشتر در نتیجه نوع رابطه‌ای که بین والدین با کودک وجود دارد؛ بوده است تا عوامل تاثیرگذار مرتبط با عوامل ارثی و زیستی (بکمن، ۲۰۲۰) و پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که بین سوءرفتار والدین و مشکل رفتاری فرزند رابطه وجود دارد و این ارتباط نشان دهنده این است که خانواده و به‌ویژه رفتار والدین در دوران کودکی نقش بسیار مهمی در ایجاد مشکلات رفتاری فرزندان در دوران کودکی، نوجوانی و حتی بزرگسالی دارد (آهنگرانزایی، ۱۳۹۰).

سبب شناسی و یافتن دلیل برای مشکلات رفتاری فرزندان بدون توجه به نگرش‌ها، رفتارها و شیوه‌های فرزندپروری غیرممکن بوده است (سوری‌نژاد، ۱۳۹۵). به همین دلیل شیوه‌های فرزندپروری^{۱۲} یک عامل بسیار مهم و اثرگذار در آینده فرزندان است که نقش تاثیرگذاری در سبب‌شناسی آسیب‌های روانی و رشد همه‌جانبه، اجتماعی و تحصیلی فرزندان دارد. سیمونز و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که یکی از عوامل مهم در ایجاد و شکل‌گیری والدآزاری در فرزندان شیوه فرزندپروری معیوب والدین می‌-

-
1. family violence
 2. partner abuse
 3. child abuse
 4. elder abuse
 5. child-to-parent violence (CPV)
 6. Cottrell
 7. Parent abuse
 8. Simmons, McEwan, Purcell & Ogloff
 9. Simmons, McEwan, Purcell & Ogloff
 10. Margolin & Baucom
 11. Holt
 12. parenting styles

باشد. از طرفی یکی از عواملی که انتظار می‌رود با میزان شکل‌گیری والدآزاری ارتباط مثبت داشته باشد؛ خشونت خانوادگی و در معرض خشونت قرار گرفتن فرزندان توسط والدین به صورت مستقیم و حتی غیر مستقیم است (گلر، بووتی و کرایفانی^{۱۳}، ۲۰۲۱). یافته پژوهش کونتراراس و دیل کارمن کانو (۲۰۱۶) نشان دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار خشونت خانوادگی با والدآزاری بود؛ بنابراین فرزندی که در خانواده‌هایی با رفتارهای خشونت‌آمیز زندگی می‌کنند، احتمال پرخاشگر شدنشان بیشتر است؛ چراکه این بچه‌ها تشخیص می‌دهند به‌کارگیری پرخاشگری راهکار مناسبی برای رویارویی با مشکلات و تعارضات بین فردی است (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷).

متغیر دیگری که به نظر می‌رسد در بروز والدآزاری نقش تعیین‌کننده داشته باشد؛ تعارض والد-فرزند است. از جمله عوامل خانوادگی که در بروز مشکلات رفتاری نوجوانان اهمیت زیادی دارد؛ تعارض در رابطه والدین با نوجوانان است (لیانگ^{۱۴}، ۲۰۲۰). فرزندان مخالفت با والدین خود را هنگامی تجربه می‌کنند که غرایز، نیازها، و آرزوهای آنها مورد تهدید قرار گرفته باشد (رضایی، ۱۴۰۰). هر چند که روانشناسان بیشتر تعارض‌های در خانواده و بین والدین و نوجوانان را ناشی از مهارت‌های ارتباط ضعیف، عدم توافق بر قواعد و مسئولیت‌ها، عدم مهارت کافی در کنترل خشم، ضعف در توانایی درک دیدگاه دیگران، مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفتگو بین اعضای خانواده، دریافت‌های شناختی تحریف شده، ضعف مهارت‌های تصمیم‌گیری، جرات‌ورزی و ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسئله می‌دانند (چانگ، ژو و ماین^{۱۵}، ۲۰۲۱)؛ بنابراین با توجه به جدید بودن متغیر والدآزاری و از آنجا که تاکنون پژوهش‌چندانی در این زمینه در داخل کشور انجام نگرفته و از طرفی با توجه به اهمیت بالای این پدیده و رشد روزافزون آن در جامعه، انجام پژوهش حاضر این بود که آیا متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، ایجاد والدآزاری بسیار با اهمیت می‌باشد؛ لذا اصلی‌ترین مساله پژوهش حاضر این بود که آیا متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، خشونت خانوادگی و تعارض والد-فرزند می‌توانند متغیر والدآزاری را پیش‌بینی کنند؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی با رویکرد کمی بود و جامعه آمای کلیه دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم (پایه دهم) شهر همدان در سال تحصیلی ۴۰۲-۱۴۰۱ تشکیل دادند که بر اساس گزارش اداره آموزش و پرورش شهر همدان ۳۸۵۶ نفر می‌باشند که با توجه به در اختیار داشتن حجم جامعه آماری و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه برای شرکت در پژوهش کافی بود اما برای معرف بودن نمونه و همچنین برای جلوگیری از ریزش احتمالی آزمودنی‌ها، نمونه‌ای به تعداد ۳۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ ابتدا از بین دو ناحیه آموزش و پرورش شهر همدان، یک ناحیه انتخاب و سپس از این ناحیه ۱۰ مدرسه و از هر مدرسه به صورت تصادفی ۳۸ دانش‌آموز انتخاب شدند. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر به دلیل ارتباط بیشتر مادر با فرزند، پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری و والدآزاری توسط مادر دانش‌آموزان تکمیل شد.

پرسشنامه والدآزاری (فرم پسران) (PAP- BV): مقیاس والدآزاری (فرم پسران) یک مقیاس ۲۲ ماده‌ای است که برای سنجش سه بعد والدآزاری (مالی، فیزیکی و عاطفی) در پسران نوجوان جامعه ایرانی در شهر اهواز توسط عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۷) ساخته شده است. این مقیاس سه بعد والدآزاری را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (هیچ‌وقت) تا ۵ (همیشه) می‌سنجد. در این مقیاس علاوه بر سه نمره والدآزاری (مالی، فیزیکی و عاطفی)، یک نمره کل با حداقل ۲۲ و حداکثر ۱۱۰ برای هر آزمودنی محاسبه می‌شود. نمره بالا در این مقیاس نشانه میزان بالای والدآزاری است. ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۷) برای کل مقیاس 0/98 به دست آمد.

13. Geller, Booty & Crifasi

14. Leung

15. Chung, Zhou & Main

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط دینا بامریند طراحی شد. ۳۰ پرسش این پرسشنامه سه شیوه فرزندپروری را می‌سنجد؛ به این صورت که ده عبارت مربوط به مقیاس آسان‌گیر (1-6-10-13-14-17-19-21-24-28)، ده عبارت مربوط به مقیاس مستبد (2-3-7-9-12-16-18-25-26-29) و در عبارت مربوط به مقیاس مقتدرانه (4-5-8-11-15-20-22-23-27-30) می‌باشد. والدین آزمودنی‌ها با مطالعه هر گویه نظر خود را بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق، کاملاً موافق) از یک تا ۵ گزارش می‌دهند. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش شهامت، ثابتی و رضوانی (۱۳۸۹) برای کل آزمون 0/72 به دست آمد. در پژوهش بی‌طرف، شعیری و حکیم‌جوادی (۱۳۸۹) ضرایب همسانی درونی پرسشنامه برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر 0/69، 0/70 و 0/79 به دست آمد. ضریب پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر 0/81، 0/78 و 0/86 به دست آمد.

مقیاس مواجهه کودک با خشونت خانگی (CED): مقیاس مواجهه کودک با خشونت خانگی^{۱۶} در سال ۲۰۰۷ توسط ادلسون^{۱۷} و همکاران برای اندازه‌گیری درجه مواجهه با اشکال مختلف خشونت خانگی در کودکان ۱۰ تا ۱۶ سال طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال بوده و روش نمره‌دهی آن ۵ گزینه‌ای لیکرت است که به صورت ۰ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود (۱- هرگز، ۲- گاهی اوقات، ۳- اغلب و ۴- تقریباً همیشه). در این پرسشنامه نمره به دست آمده بیشتر به معنی مواجهه با خشونت بیشتر و نمره کمتر به معنی خشونت کمتر است. حداقل نمره به دست آمده در این پرسشنامه ۳۰ و حداکثر نمره ۱۲۰ است. ادلسون و همکاران (۲۰۰۸) برای سنجش همسانی درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کردند و مقدار آن را در هفته اول ۰/۸۶ گزارش کردند. در هفته دوم، مقدار آلفای کرونباخ 0/80 به دست آمد. برای سنجش پایایی با روش آزمون- بازآزمون، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t زوجی بین نمرات هفته‌ی اول و دوم محاسبه شد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو نوبت اندازه‌گیری شد و ۰/۶۸ به دست آمد. همچنین نمرات بین دو نوبت اندازه‌گیری، از طریق آزمون t زوجی باهم مقایسه شد. نتایج نبود تفاوت معنی‌دار بین نمرات دو نوبت اندازه‌گیری نشان داد که حاکی از ثبات زمانی مقیاس است (حقی، وامقی، سجادی و قائدامیری، ۱۳۹۶). ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش سوری و عباس‌پور (۱۳۹۹) 0/91 به دست آمد.

پرسشنامه تعارض والد- فرزند: این مقیاس توسط اشتراوس (۱۹۹۰) ساخته شده است و برای دامنه سنی کمتر از هیجده سال کاربرد دارد (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰). این پرسشنامه شامل ۱۵ سوال می‌باشد. همچنین پاسخ آن براساس لیکرت شش درجه‌ای لیکرت از صفر (هرگز) تا ۵ (بیش از یکبار در ماه) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره بین ۱۵ تا ۷۵ بوده و نمره بالاتر نشانه تعارض بیشتر بین والدین و فرزندان است. روایی محتوایی این مقیاس در پژوهش رضایی و همکاران (۱۴۰۰) تایید شده است. همچنین در پژوهش بخشایی و آزادی (۱۳۹۹) اعتبار این آزمون از طریق آلفای کرونباخ 0/86 و از روش بازآزمایی 0/88 به دست آمده است. همچنین ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش سهرابی، اکبری و کریمی (۱۴۰۱) 0/89 به دست آمده است.

داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی از قبیل: میانگین، انحراف معیار، توزیع فراوانی و همچنین روش‌های آماری استنباطی مانند همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین از نرم‌افزارهای SPSS ۲۴ در جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد.

16. exposure to domestic violence child

۱۷. Edleson

یافته‌ها

کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش را پسران تشکیل دادند که رشته تحصیلی بیشتر افراد شرکت‌کننده (۴۲٫۶٪) تجربی و معدل بیش از نیمی از آنان (۵۷٫۴٪) بین ۱۵ تا ۱۷ بود. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش بر اساس جدول ۱ به ترتیب به این صورت به دست آمد. والدآزاری (۵۲/۱۱)، شیوه فرزندپروری مقتدرانه (۲۵/۱۴)، شیوه فرزندپروری مستبدانه (۲۵/۲۳)، شیوه فرزندپروری آسانگیر (۲۴/۱۶) و تعارض والد-فرزند (۴۲/۳۲).

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	
۸/۶۲۸	۵۲/۱۱	والدآزاری
۴/۲۶۴	۲۵/۱۴	فرزندپروری مقتدرانه
۴/۰۵۲	۲۵/۲۳	فرزندپروری مستبدانه
۳/۲۴۶	۲۴/۱۶	فرزندپروری آسانگیر
۴/۵۴۴	۴۴/۴۲	خشونت خانوادگی
۴/۴۹۸	۴۲/۳۲	تعارض والد-فرزند

به منظور تجزیه و تحلیل رگرسیون پیشفرض استقلال داده‌ها نشان داد که شاخص دوپین واتسون برابر ۱٫۸۰۳ است و سطح معناداری آزمون نرمالیه داده‌ها نیز با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف برابر ۱٫۸۳۰ به دست آمد که نشان‌دهنده توزیع نرمال داده‌ها در پژوهش حاضر می‌باشد.

جدول ۲. آزمون فرضیه پژوهش

P	t	β	P	F	R ²	
0/606	-0/516					مقدار ثابت
0/001	-5/527	-0/236				شیوه فرزندپروری مقتدرانه
0/001	4/326	0/184				شیوه فرزندپروری مستبدانه
0/001	3/748	0/158	۰٫۰۰۱	۴۱٫۸۳۴	۰٫۳۵۹	شیوه فرزندپروری آسانگیر
0/001	10/633	0/449				خشونت خانوادگی
0/005	2/847	0/119				تعارض والد-فرزند

نتایج به دست آمده نشان داد متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و آسانگیر)، خشونت خانوادگی و تعارض والد-فرزند به‌عنوان متغیر پیش‌بین و تبیین‌کننده در اعضای نمونه 0/35، از واریانس نمره والدآزاری را تبیین می‌کنند؛ همچنین مشخص است که سهم شیوه فرزندپروری مقتدرانه در پیش‌بینی والدآزاری (-0/236)، سهم شیوه فرزندپروری مستبدانه (0/184)، سهم شیوه فرزندپروری آسانگیر (0/158)، سهم خشونت خانوادگی (0/449) و سهم تعارض والد-فرزند در پیش‌بینی والدآزاری دانش‌آموزان پسر (0/119) بوده است.

بحث در یافته‌ها

نتایج نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و آسانگیر)، خشونت خانوادگی، و تعارض والد-فرزند می‌توانند والدآزاری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند. به عبارتی یافته‌ها نشان داد که متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و آسانگیر)، خشونت خانودگی و تعارض والد-فرزند به‌عنوان متغیر پیش‌بین و تبیین‌کننده در اعضای نمونه، درصد معنی‌داری از واریانس نمره والدآزاری را در دانش‌آموزان تبیین می‌کنند. همچنین با توجه به یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که همه متغیرهای پیش‌بین پژوهش (خشونت خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری و تعارض والد-فرزند) در پیش‌بینی والدآزاری دانش‌آموزان نقش تاثیرگذار دارند و نقش خشونت خانوادگی در پیش‌بینی والدآزاری دانش‌آموزان بیشتر از سایر متغیرها پیش‌بین پژوهش به دست آمد. یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های شایق و رحیمی (۱۴۰۰)، خسروی و صادقی (۱۳۹۹)، واصل (۱۳۹۸)، یداللهی (۱۳۹۸)، کارگر (۱۳۹۷)، عباسپور و همکاران (۱۳۹۷)، میرزایی کوتنایی و همکاران (۱۳۹۴)، کارازه و همکاران (۱۳۹۴)، ابوطالبی‌احمدی (۱۳۹۲)، کالیجاس جرونیمو و همکاران (۲۰۲۰)، سوارز-رلینکو و همکاران (۲۰۱۹)، سیمونز و همکاران (۲۰۱۸)، آگارایا و نیچر (۲۰۱۸)، تایلر و همکاران (۲۰۱۶)، هولت (۲۰۱۶)، کونتراس و کارمن کانو (۲۰۱۶) و کالوت و همکاران (۲۰۱۴) هماهنگ است.

در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت که متغیرهای خانوادگی، مانند قرار گرفتن در معرض خشونت خانوادگی، تعارض والد-فرزند و شیوه‌های فرزندپروری سخت‌گیرانه، تاثیر قابل توجهی بر میزان عزت نفس و نحوه نگرش فرزندان به دنیای اطراف آن‌ها خواهد داشت. پیوندهای درون خانواده‌ها مکان‌هایی برای شکل‌گیری الگوهای رفتاری نوجوانان است. زندگی در یک خانواده که در آن خشونت میان اعضای خانواده وجود دارد، کودکان را در معرض خطر انواع مشکلاتی همچون افسردگی، مشکلات رشدی، مشکلات سلامت فیزیکی و روانی مزمن و حاد، رفتارهای مضطرب و پرخاشگرانه قرار می‌دهد. بعلاوه بررسی‌ها نشان می‌دهد که کودکان در معرض خشونت خانگی، خشونت را به عنوان یک ابزار قابل قبول و مفید برای حل اختلافات می‌بینند. از نظر ابعاد اجتماعی، در خانواده‌های مواجهه با خشونت، فرزندان مستبد با اعتماد به نفس پایین پرورش می‌یابند که مستعد هرگونه نابهنجاری نظیر والدآزاری هستند. از طرفی شیوه‌های فرزندپروری والدین نیز می‌تواند بر میزان اعتماد به نفس، شکل‌گیری شخصیت و شیوه رفتار فرزند تاثیرگذار باشد. والدینی که به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند؛ بر رفتارهای کودکانشان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند. از طرفی فرزندان والدین آسانگیر به دلیل آزادی بی‌حد و اندازه و بدون مدیریتی که از شیوه تربیتی ناقص والدین خود دریافت می‌کنند؛ تکانشی بوده و از عزت نفس پایینی در مواجهه با موانع و مشکلات و حتی محدودیت‌ها برخوردارند و همچنین در مقابل فشارهای روانی دچار مشکل خودکنترلی می‌شوند. این فرزندان آستانه تحمل پایینی داشته و از آنجا که معمولاً اعتماد به نفس پایینی دارند؛ برای پیشبرد اهداف خود و رسیدن به مقاصد خود و حتی در برخوردهای روزانه خود مرتکب رفتار پرخاشگرانه نظیر والدآزاری می‌شوند.

در خانواده‌هایی که والدین به روش اقتدار منطقی با فرزندان خود ارتباط دارند، افراد دوستانه به اظهار نظر می‌پردازند و دیگر اعضای خانواده نیز به گفته‌های آنها گوش فرا می‌دهند و این احساس خوب گفتن و جلب توجه نمودن، زمینه‌های عزت نفس را در تک تک افراد خانواده مهیا می‌کند. محیط خانوادگی با سبک فرزندپروری مقتدرانه، از آنجایی که هر یک از افراد خانواده با توجه به توانایی خود و فرصت‌هایی که در اختیار دارند، در تمام عرصه‌های زندگی می‌درخشند و در صلح و صفا و صمیمیت در کنار همدیگر زندگی می‌کنند، از آرامش کامل برخوردار است (کالویت و همکاران، ۲۰۱۵).

در خانواده با روش استبدادی، صمیمیت و عواطف انسانی کم رنگ است و روابط مستبدانه و منفی والدین نسبت به فرزندان یکی از مهمترین عوامل ایجادکننده و نگهدارنده اختلالات روانی به شمار می‌آید. والدین با روش فرزندپروری استبدادی، خیلی کم با کودک و نوجوانان خود حرف می‌زنند و معمولاً آنها را وادار به انجام کارهای مخالف با میل و نظرشان می‌نمایند و در این رابطه حتی به تنبیه و فشار هم متوسل می‌شوند. این فرزندان عمدتاً گوشه‌گیر و مضطرب هستند و با خصومت و انکس نشان می‌دهند. با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرزندان با والدین مستبد، وجود رفتارهای پرخاشگرانه در آنان نظیر والدآزاری

منطقی به نظر می‌رسد. از طرفی می‌توان گفت از آنجا که کودک ابتدا آموزش را از خانواده‌اش یاد می‌گیرد و رفتار و نگرش‌های اجتماعی او بازتابی از رفتارها و باورهایی است که از والدین خود دریافت می‌کند و همچنین در تعاملات صمیمانه و گرم والد-فرزندی، زمانی که فرزندان احساس کنند بدون قضاوت و تحقیر شدن به صحبت‌های آنها گوش داده می‌شود؛ فرزندان بیشتر تمایل به صحبت در مورد نگرانی‌ها، عقاید، احساسات و نیازهای خود دارند و کمتر برای برآورده ساختن نیازهی خود به پرخاشگری روی می‌آورند. بر عکس کودکانی که تعامل منفی و پر از تعارض با والدین خود دارند و پرخاشگری والدین خود را تجربه و مشاهده می‌کنند؛ به‌ویژه در شرایطی که رفتارهای پرخاشگرانه نتیجه‌بخش بوده باشد؛ بر اساس مشاهدات خود فرضیه می‌سازند و یاد می‌گیرند که رفتار پرخاشگرانه یک روش قدرتمند برای مقابله با دیگران و برآوردن خواسته‌هایشان است. بنابراین احتمال بروز پرخاشگری در این کودکان بیشتر است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تعداد زیاد سؤالات و پرسشنامه‌های پژوهش که می‌تواند موجب خستگی پاسخ‌دهندگان شده و بر نتیجه پژوهش تأثیر بگذارد اشاره کرد و نیز پژوهش به صورت مقطعی انجام گرفت همچنین یکی دیگر از محدودیت‌ها در این پژوهش، روش پژوهش می‌باشد؛ از آنجا که روش پژوهش به کار رفته از نوع همبستگی بوده و در این روش به دلیل عدم کنترل برخی متغیرها بر نتایج داده‌ها، در استنباط روابط متغیرها باید جانب احتیاط را رعایت نمود. با توجه به یافته پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با والدآزاری در دانش‌آموزان؛ پیشنهاد می‌شود که کارگاه‌هایی برای آموزش شیوه‌های فرزندپروری به والدین دانش‌آموزان برگزار گردد و با توجه به یافته پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین خشونت خانوادگی با والدآزاری در دانش‌آموزان؛ پیشنهاد می‌شود که کارگاه‌هایی برای بهبود میزان تعامل والد-فرزند و کاهش تعارض بین والدین و تعارض بین والد-فرزند برگزار شود.

با توجه به نتایج نیز پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی با به‌کار بستن روش‌های آزمایشی و شبه آزمایشی اجرا شود؛ تا روابط علی بین متغیرهای پژوهش را مشخص سازد و در پژوهش‌های آینده ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش با متغیرهای همچون خودپنداره، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای خودکارآمدی دانش‌آموزان مورد پژوهش قرار گیرد.

منابع

۱. ابوطالبی احمدی، تقی (۱۳۹۲). رابطه شیوه فرزند پروری و عزت نفس با سلامت روانی دانش‌آموزان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۶، ۸۸-۷۱.
۲. آهنگرانزایی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز و فرج‌زاده، رباب (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. پژوهش‌های علوم‌شناختی و رفتاری، ۱(۱)، ۸-۱.
۳. بخشایی، محبوبه و آزادی، مهران (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای تعارض والد-فرزند در ارتباط تمایز یافتگی خود با اضطراب اجتماعی. فصلنامه خانواده درمانی کاربردی، ۱(۲)، ۱۰۴-۹۲.
۴. خسروی، مریم و صادقی، جمال (۱۳۹۹). رابطه سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری دختران نوجوان. خانواده درمانی کاربردی، ۱(۳)، ۱۵۳-۱۳۸.
۵. رضایی، زینب؛ اکبری، مریم؛ احمدیان، حمزه و یاراحمدی، یحیی (۱۴۰۰). مدلسازی مشکلات رفتاری نوجوانان بر اساس تعارض والد-فرزندی و مشکلات فرایندهای خانواده با نقش میانجی‌گر دشواری تنظیم هیجان در نوجوانان دختر. مجله مطالعات ناتوانی، ۱۱(۵)، ۹-۱.
۶. سهرابی، فخرالدین، اکبری، مریم و کریمی، کیومرث (۱۴۰۱). مدل علی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت بر اساس خودکارآمدی و تنظیم هیجانی با واسطه‌ی تعارض والد-فرزند. سامانه مدیریت نشریات علمی، ۲(۱۲)، ۶۶-۴۹.
۷. سوری، پریسا و عباس‌پور، ذبیح‌اله (۱۳۹۹). بررسی پیش‌بین‌های والدآزاری در دانش‌آموزان پسر: خشونت خانوادگی، تعارض زناشویی، انسجام خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری و عزت نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۸. سوری‌نژاد، محسن؛ فرهادی، مهران و کردنوقایی، رسول (۱۳۹۵). تبیین اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزندپروری. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۲۹، ۲۵-۷.
۹. شایق، محمد و رحیمی، مهدی (۱۴۰۰). نقش عوامل خانوادگی در پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی با واسطه‌گری مهارت‌های اجتماعی. طلوع بهداشت، ۲۰(۱)، ۵۴-۳۷.
۱۰. عباس‌پور، ذبیح‌اله؛ پورسردار، فیض‌اله؛ قنبری، زهرا؛ شاهوری، شیوا و شادفر، افروز (۱۳۹۷). ساخت و اعتباریابی مقیاس والد‌آزاری (فرم پسران). فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی ۲۱(۸)، ۴۶-۳۳.
۱۱. کارگر، بهروز (۱۳۹۷). پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری و اعتیاد به اینترنت در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر میبد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.
۱۲. میرزایی، نیلوفر (۱۳۹۸). خشونت خانگی (آسیب پنهان اجتماعی). ناشر: اندیشه احسان.
۱۳. میرزایی‌کوتنایی، فرشته؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی؛ اصغری، فرهاد و شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۹۴). نقش انسجام خانواده در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان. تحول روانشناختی کودک، ۱(۳)، ۳۲-۱۵.
۱۴. واصل، گلشن (۱۳۹۸). بررسی تجربه زیسته مادران آزاردیده: یک مطالعه پدیدارشناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهیدچمران اهواز، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۱۵. وامقی، مروئه؛ فیض‌زاده، علی؛ میراب‌زاده اردکانی، آرش و فیض‌زاده، گلنار (۱۳۸۶). مواجهه با خشونت خانگی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶(۲۴)، ۳۰۵-۳۲۶.
۱۶. یحیی‌زاده، حسین و آرمان، فاطمه (۱۳۹۷). مددکاری اجتماعی مداخله در بحران خشونت خانگی علیه زنان. چاپ اول: انتشارات آوی نور.
۱۷. یداللهی، سکینه (۱۳۹۸). نقش سبک‌های فرزندپروری مادر و جو عاطفی خانواده در پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد رشت.

18. Ibabe, I., Jaureguizar, J., & Bentler, P. M. (2013). Risk factors for child-to-parent violence. *Journal of family violence*, 28(5), 523-534.
19. Chung, S., Zhou, Q., & Main, A. (2021). Parent-child conflict profiles in Chinese American immigrant families: Links to sociocultural factors and school-age children's psychological adjustment. *Family process*, 60(1), 169-185.
20. Geller, L. B., Booty, M., & Crifasi, C. K. (2021). The role of domestic violence in fatal mass shootings in the United States, 2014-2019. *Injury epidemiology*, 8, 1-8.
21. Holt, A. (2016). Adolescent-to-Parent Abuse as a Form of "Domestic Violence" A Conceptual Review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 17(5), 490-499.
22. Leung, J. T. (2020). Concerted cultivation and adolescent psychopathology over time-mediation of parent-child conflict. *International journal of environmental research and public health*, 17(24), 1-32.
23. Simmons, M., McEwan, T. E., Purcell, R., & Ogloff, J. R. (2018). Sixty years of child-to-parent abuse research: What we know and where to go. *Aggression and violent behavior*. 31-52.

Prediction of parent abuse based on parenting methods, family violence and parent-child conflict in secondary school students of Hamadan city

Elham Qadami¹, Zahra Alibakhshy²

¹Master of Educational Psychology, Payam Noor University Center of South Tehran, Tehran, Iran

²Assistant Professor of the Faculty of Psychology, Payam Noor University Center of South Tehran, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of the current research was to predict parental abuse based on parenting methods, family violence and parent-child conflict in second secondary students of Hamadan city. The research method was descriptive-correlation. The research population was all male students of the second secondary school in Hamedan city in the academic year of 2022-2023, their number was 3856. Using the Karjesi and Morgan table, 380 of these people were selected by cluster sampling. In this research, Abbaspour et al.'s parental abuse questionnaire (2017), Bamrind's parenting styles questionnaire (1972), Adelson et al.'s (2007) family violence questionnaire, and Strauss's parent-child conflict questionnaire (1990) were used. Descriptive statistical indices (mean, standard deviation) and inferential statistical methods (Pearson correlation and regression) were also used for data analysis. The findings obtained from the research showed that parenting methods (authoritarian, autocratic, and facile), family violence, and parent-child conflict can predict parental abuse in students ($P < 0.01$). Also, the results obtained from the research showed that there is a positive and significant relationship between family violence, parent-child conflict, and authoritarian and easy parenting styles with parental abuse in students ($P < 0.01$), and there is a negative and significant relationship between authoritarian parenting style and bullying of students.

Keywords: Parental abuse, parenting methods, family violence, parent-child conflict
